



انقلاب اسلامی ایران و حوادث پس از آن، حکایتی است که ورود و خروج شخصیت‌هایی با جوهره و عملکرد متفاوت، کلیت آن را ساخته است. در این واقع‌حیرت‌زا و عبرت‌انگیز، شاهد حضور شخصیت‌هایی بودیم که با وجود نقش آفرینی موثر، با پر شدن پیمانہ عمر ناگزیر از ترک صحنه شدند اما خروج همیشگی آنها از متن وقایع انقلاب،

به معنای پایان نقش آفرینی‌شان نبود. این بار تفسیرها و برداشت‌های سایر بازیگران است که شاکله شخصیت سیاسی این بازیگران غایب را می‌سازد. تفسیرهایی که گاه با انتخاب برش‌های کوتاه از حیات سیاسی شخصیت و سرهم‌بندی آن در یک قالب دلیخواهانه همراه می‌شود.
آیت‌الله سید محمود طالقانی(۱۳۵۸–۱۲۸۹ شمسی) در زمره چنین شخصیت‌هایی است. در طلیعه پیروزی انقلاب طالقانی به عنوان چهره‌های محبوب و شناخته‌شده در میان مردم و نخبگان انقلابی شناخته می‌شد. او سابقه‌ای سرشار از روشنگری و مبارزه علیه رژیم پهلوی و تحمل رنج زندان و شکنجه را در کنار فعالیت‌های علمی و سیاسی ماندگار در کارنامه خود داشت. این کارنامه پربرابر و رشک‌بر‌انگیز باعث شد در میان گروه‌های انقلابی با عملکرد و ماهیت‌های مختلف با هدی‌الگوی مرجع بدل‌شود. در این بین، رابطه آیت‌الله طالقانی با برخی از این گروه‌ها از جمله سازمان مجاهدین خلق چه پیش از

**محسنن بهدادافر**؛\*
قیمت نفت در نیمه اول سال ۲۰۱۴ بیشتر از ۱۰۰ دلار در هر بشکه بود ولی در نیمه اول سال ۲۰۱۶ یعنی ۲ سال بعد به کمتر از ۳۰ دلار در هر بشکه رسیدی. بر اساس گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول، کاهش تقاضای نفت خام توسط بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان آن یعنی چین و آلمان و کاهش به علت کاهش رشد اقتصادی باعث ریزش قیمت در سال‌های اخیر شد. در سال‌های اخیر پدیده نوظهوری به نام نفت شیل آمریکای شمالی و عرضه بسیار زیاد آن باعث افزایش عرضه نفت خام در جهان و در نتیجه کاهش قیمت جهانی نفت شد. همچنین عربستان سعودی با احساس خطر از ناحیه عرضه نفت شیل سعی در ایجاد رقابت با نفت اسیل و فیشر بیشتر به تولیدکنندگان آمریکایی برای غیراقتصادی کردن عرضه نفت شیل کرد. در نشست ۲۷نوامبر سال ۲۰۱۴ که کشورهای مهم تولیدکننده نفت خاورمیانه حضور داشتند، برای نگه داشتن سقف تولید روزانه نفت ۳۰ میلیون بشکه در روز توافقی حاصل نشد و از همان تاریخ به بعد قیمت نفت به صورت سرسام‌آوری نزولی شد به‌طوری که همه

**مقدمه:۳ پرش مهجور**

دیدار رهبر حکیم انقلاب با اعضای جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام، همانند دیدار ایشان با نهادهای و ساختارهای دیگر در سال‌های اخیر، به محملی برای «غیب‌به انقلابی‌ماندن» و «ستودن انقلابی‌گری» تبدیل شد. این حجم از تأکید و حساسیت، بی‌سبب نیست و نباید بسادگی از کنار آن گذشت، بلکه باید نظر عمیق به آن افکند و دربارش آنچنان که درخور است، تأمل و تدقیق کرد. در یادداشت پیش رو، نگران‌زده می‌کوشد به ۳ پرش بنیادی درباره انقلابی‌ماندن و انقلابی‌گری پاسخ اجمالی دهد. نخست اینکه انقلابی‌بودن به چه معناست؟ انقلابی‌گری چیست؟ انقلابی‌کیست؟ نیروی انقلابی چه اوصافی دارد؟ چه خصوصیاتی، رمز میان انقلابی و غیرانقلابی را مشخص می‌کند؟ دیگر اینکه چرا باید انقلابی بود؟ چرا انقلابی‌ماندن، فعالیت‌گری و انقلابی‌بودن به دوره پسانقلابی‌چون توجیهی دارد؟ مگر انقلابی‌گری، خاص دوره انقلاب نیست؟ انقلاب که امری متعلق به گذشته است، چرا باید در دوره کنونی، همچنان برقرار باشد و بازتولید شود؟ اگر از انقلاب به‌نظام عبور کرده‌ایم، چگونه می‌توانیم اقتضات انقلاب را با اقتضات نظام، سازگار و مطابق کنیم؟ و در نهایت، این پرش‌که ریشه این همه تأکید و اصرار رهبر انقلاب نسبت به انقلابی‌بودن چیست؟ چرا ایشان به‌طور مکرر، همگان را به انقلابی‌گری فرامی‌خوانند؟ مگر ایشان احساس می‌کنند انقلابی‌گری، که‌وروق و رفیق شده است؟ آیا انقلابی‌گری در معرض خطر است؟ آیا آفتی به جان انقلاب افتاده است؟

۱- «انقلاب» و «انقلابی»
**«انقلابی‌گری»:** **گره‌گشایی معنایی**
انقلاب اسلامی، «که به‌اصطلاح یک انقلاب اجتماعی بود- «فقئ فکری و فرهنگی تازه»ی را پیش روی ما قرار داد، اتفاقی که از نظم مستقر قبلی، گسسته بود، بلکه در نقطه مقابل آن قرار داشت. در این فضای نو، «ارزش‌هایی بی‌شکفتند و رویدند که ریشه در «تلقی قدسی از عالم و آدم» داشتند و واقعیت‌ها را به گونه‌ای متفاوت، تفسیر می‌کردند. خود انقلاب اسلامی به عنوان یک واقعیت، برخاسته از همین «نگاه نوپدید» بود، از این رو، کسانی که نتوانستند این «نگاه» را فهم کنند، از فهم «انقلاب اسلامی» نیز بازماندند و در مقام تحلیل و توضیح آنچه رخ داده بود، به بیراهه رفتند. در دوره پیشانقلاب، انقلابی کسی است که با تکیه بر چنین نگاهی، به جریان انقلابی می‌پیوندد و

**تأملات**

**آیا ابودر زمان به جریان‌های النقطای بی‌اعتنا بود؟**

# طالقانی و منافقین

# داستان ناتمام

- سید مرتضی حسینی**

علاوه بر حرمت شرعی، باعث سوءاستفاده نیروهای مارکسیست سازمان مجاهدین و کسب اعتبار اجتماعی برای آنها می‌شد.

- یک پیش‌بینی:ایدئولوژی بت‌نشود**

آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از آخرین زندان خود در آبان ۵۷ و با توجه به موقعیت خود در کلون مبارزات، دیگر نه می‌خواست و نه می‌توانست همچون گذشته مناسبات سیاسی، فکری و حتی فردی خود را با بازماندگان این سازمان برقرار کند. با این حال در همان ایام و پس از آزادی مسعود رجوی و موسی خیابانی و تعدادی از سران سازمان با آنها دیدار کرد. در این دیدار او با اشاره به پیشینه مبارزات ملت ایران و تحلیل وضعیت حاضر گفت: «باید همه بت‌ها شکسته و رانده شود. هنوز خیلی بت سر راه داریم. اگر یک مهرای از بت را از کشور بیرون راندیم به صورت‌های دیگر خواهند بود. اگر این بت ایدئولوژی شد خودش مخرب است.» نگرانی و پیش‌بینی مرحوم طالقانی از فرجام سازمان مجاهدین خلق و احتمال تبدیل ایدئولوژی به هدف، در این بخش از گفت‌وگوهای وی قابل تأمل است. همچنین او در سخنرانی‌های خود در آستانه پیروزی انقلاب بارها به نقد جریان چپگرایی در ایران پرداخته و معتقد بود هم در نهضت ملی شدن صنعت نفت و هم در انقلاب اسلامی جریان چپگرا و متمایل به کمونیسم بین‌الملل ضربه‌های مهلکی بر پیکره حرکت‌های مردمی ایران وارد کرد است.

- آغاز انقلاب و داستانی که ناتمام ماند**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجاهدین سرمایه‌گذاروی و تلاش فراوانی داشتند تا از سواقی آشنایی و ارتباط با ایشان برای تدلوم حیات سیاسی خود بهره‌گیرند. از جمله آنکه مجموعه سخنرانی‌های او تحت عنوان «مجموعه گفتار پدر طالقانی» را در چند جلد چاپ کردند. تلاش آنها این بود تا با استفاده از عبارت «پدر» در وصف آیت‌الله طالقانی، پشتوانه‌ای فکری و جای پای محکم در بین افکار عمومی جامعه برای خود دست و پا کنند اما از آن سو آیت‌الله طالقانی هم بر آن بود تا در عین گسترش چتر حمایت خود بر سه همه گروه‌های فعال در انقلاب، از گرایش جوانان به تفکرات انقلابی‌مانعت کند. از جمله در سخنرانی ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ (شب ۲۳ رمضان) چنین گفت: «گاهی روشنفکران ما اسلام را مخلوط می‌کنند با یک مسائل دیگر، مکتب‌های دیگر، یک مقداری از کمونیسم یا مسلمان‌ریاری، می‌از این طرف یا از آن طرف، از سوسیالیسم. نه فرزندان ما اسلام نه کمونیسم است نه کاپیتالیسم و

## نفت و عوامل اثر گذار بر قیمت آن

موقعیت انرژی روسیه کرد، آمریکا برای حضور در بازار گاز نیازمند دسترسی به دیگر بازارهای جهانی بود اما به دلیل فاصله زیاد با بازارهای بزرگ جهانی و عدم دسترسی زمینی به این بازارها امکان صادرات گاز از طریق خط لوله را نداشت، بنابراین برای دستیابی به این بازارها نیازمند صادرات از طریق «لان‌جی» بود. اما پس از بحران کریمه و تنش میان اروپا و روسیه در سال ۲۰۱۴، ورود ایالات متحده به بازار گاز و تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده این منبع طبیعی به عنوان یک ضرورت در سیاست‌های ایالات متحده مطرح شد تا با تأمین گاز بیشتر در بازار اروپا موجب کاهش وابستگی همیمانان اروپایی خود به روسیه شود. ولی آمریکا نیازمند اقدامی سریع‌تر برای استفاده به‌عنوان اهرم فشار بر گاز روسیه بود، بنابراین به نظر می‌رسد همدستی از قبل برنام‌ریزی شده آمریکا و عربستان سعودی در عرضه نفت

دوشنبه ۸ آبان ۱۳۹۶

کرده‌ام که قیمت نفت به چه سمت و سویی حرکت خواهد کرد. مطمئنا پیش‌بینی قیمت نفت تنها با بررسی خود قیمت امکان‌پذیر نخواهد بود، چرا که نفت کالایی بسیار مهم و حساس در تعیین اهرم‌های سیاسی است و اکثر کشورها تولیدکننده یا صادرکننده از اهمیت آن آگاهند و همیشه در معادلات سیاسی خود از آن بهره می‌برند. مطمئنا آینده حضور داعش در منطقه خاورمیانه که مهم‌ترین منطقه عرضه و استخراج نفت است و اتفاق‌هایی که در آینده در سوریه و عراق و امنیت خاورمیانه می‌افتد در قیمت نفت تأثیر گذار خواهد بود و باید ببینیم آینده این منطقه چگونه خواهد بود. همچنین بر گزاری همه‌پرسی استقلال کردستان و اعلام کشور‌های محاط بر این منطقه یعنی ترکیه، ایران و عراق به جلوگیری از صادرات نفت کردستان عراق که در هفته گذشته باعث افزایش قیمت نفت تا سطح ۵۲ دلار داد، اتفاق‌هایی که در آینده در این منطقه حساس خواهد افتاد، در تعیین قیمت نفت بی‌تأثیر نخواهد بود.

«**تحلیلگر بازارهای جهانی**

از رزش‌های انقلاب دست کشید و عقب‌نشینی کرد. انقلابی‌های شرمنده و پشیمان معتقدند عقل انقلابی، «بی‌عقلی» است و با چنین عقلی نمی‌توان جامعه را تدبیر کرد؛ قواعد «انقلاب کردن» و «حکومت کسردن» با یکدیگر تفاوت دارند؛ هنگامی که «انقلاب» به «نظام» تبدیل می‌شود، باید انقلاب را «تمام‌شد» در نظر گرفت و امثالهم، هر چند انقلاب در برابر تجدد شکل گرفت اما اینتان می‌خواهند انقلاب را در مراب «جدد جهانی‌شده» غرق کنند و برای این منظور باید انقلاب، «انقلابی» نباشد و در واقع باید خود «انقلاب» نباشد و از میدان به در شود. باید از خود تهی شویم تا بتدریج در تجدد جهانی‌شده، «هضم» و «حل» شویم. ایشان از «هضم‌ویی با روند اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن» سخن می‌گویند، در حالی‌که غرض‌شان «عقب‌نشینی» است.

- نتیجه‌گیری: «انقلاب» را در پاییم!**

نه فاصله میان «انقلاب» و «ضدانقلاب»، چندان زیاد است و نه پیمودن این فاصله، نمایان و آشکار است. از این رو، رهبر انقلاب در طول دهه‌های پس از رحلت حضرت امام خمینی، همواره نسبت به این مسأله سرنوشت‌ساز، هشدار داده‌اند. دو‌گانه‌هایی از قبیل «صورت‌سیرت»، «ظهار/ پلطن»، «جسم/ روح»، «قالب/ مضمون»، «پوسته/ مغز»، «موجودیت/ هویت» و… که در گفتارهای ایشان تکرار شده، معطوف به همین دغدغه است. مقصود ایشان از تعبیر لطیف «سکولاریسم پنهان» این است که نیرو‌هایی در عرصه سیاسی و اجتماعی، می‌خواهند مغز و جوهر انقلاب را متلاشی کنند و فقط پوسته و جسمی بی‌تأثیر از آن به جان‌نهند. اگر چنین شود، نه تنها حرکت تکاملی انقلاب متوقف خواهد شد، بلکه انقلاب از دست خواهد رفت. حضرت آیت‌الله‌طالقانی خمنده، عنوان ولی‌قیه‌ی رهبر انقلاب اسلامی، چون حفاظت و پاسداری از ایدئولوژی انقلاب را برعهده دارند- و از این رو، به تعبیر استاد شهید مطهری، ولایت قیقه بیش از هر چیز، ولایت ایدئولوژیک است- باید نسبت به آنچه بر انقلاب می‌گذرد، حساس و دغدغه‌مند باشند و اگر خطری را مشاهده یا پیش‌بینی می‌کنند، انقدر به آن اشاره کنند و از آن سخن بگویند که دیگران از خواب غفلت برخیزند و آن را درآیند.

**منبع:** **Khamenei.ir**
«**عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**